

## بررسی جهت گیری ارزشی و ارتباط آن با تغییرات اقتصادی و اجتماعی در استان هرمزگان (مورد مطالعه شهروندان شهر بندرعباس)

تقی آزاد ارمکی<sup>۱</sup> و مصطفی ظهیری نیا<sup>۲</sup>

### چکیده:

از آنجا که ارزش‌ها نیرومندترین عنصر تعیین کننده در نظام اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌روند و شیوه جهت گیری، کنش و تعامل افراد را تعیین و هدایت می‌کنند. لذا این مقاله در صدد است ضمن شناخت وضعیت جهت گیری ارزشی افراد، رابطه بین تغییرات اقتصادی و اجتماعی و نوع جهت گیری ارزشی را مورد بررسی قرار دهد. داده‌های این تحقیق با انجام ۳۱ مصاحبه کیفی از میان افراد هیجده سال و بالاتر ساکن در شهر بندرعباس، گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که ۵۱/۶ درصد از مصاحبه شوندگان دارای جهت گیری ارزشی مادی، ۴۱/۹ درصد دارای گرایش‌ات ارزشی التقاطی و ۶/۵ درصد نیز دارای گرایش‌ات ارزشی فرا مادی گرایانه بودند. بعبارت دیگر، افراد ارزش‌های

مادی را نسبت به ارزش‌های فرامادی، در اولویت بالاتری قرار می‌دهند. همچنین افراد جوانتر نسبت به افراد مسن‌تر، و افراد دارای تحصیلات بالاتر نسبت به افراد دارای تحصیلات پایین‌تر، بیشتر به سمت ارزش‌های فرامادی گرایش دارند. در خصوص وضعیت اقتصادی شهر بندرعباس، همه مصاحبه‌شوندگان به جز یک نفر که توسعه اقتصادی در شهر بندرعباس را بر مبنای شرایط سیاسی می‌دانست، اعتقاد داشتند که از نظر اقتصادی و توسعه فضایی وضعیت شهر در طی چهار دهه گذشته بهتر شده است. اما در خصوص وضعیت اجتماعی و فرهنگی نظرات متفاوتی وجود داشت که آنها را به دو دسته تقسیم بندی نمودیم. همچنین نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام‌گرای مصاحبه‌شوندگان در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد.

**واژه‌های کلیدی:** جهت‌گیری ارزشی، تغییرات اقتصادی و اجتماعی، ارزش‌های مادی و فرامادی، استان هرمزگان.

## مقدمه

جوامع پیشرفته صنعتی به موازات موج وسیع صنعتی شدن و پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی، در ابعاد اجتماعی، فرهنگی نیز تغییرات و تحولات عمده‌ای را تجربه کرده‌اند. به طوری که این تغییر و تحولات منجر به شکل‌گیری نظام نوین اقتصادی و اجتماعی در این جوامع شد و آنها را در مسیر تازه‌ای قرار داده است. البته این تحولات در همه جوامع به یک نسبت اتفاق نیفتاده است و جوامع مختلف به درجات متفاوت، در ابعاد صنعتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییرات و تحولاتی را به خود دیده‌اند. اگر چه پیشینه مطالعات مربوط به ارتباط تغییر و تحولات اقتصادی و فرهنگ به مطالعه ماکس وبر با عنوان اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری برمی‌گردد (وبر، ۱۳۸۲)، اما در دهه‌های اخیر نیز بسیاری از متفکران و پژوهشگران به بررسی ارتباط بین تحولات اقتصادی و اجتماعی و تغییرات فرهنگی

پرداخته اند. پیمایش جهانی ارزش‌ها که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است، کانون توجه خود را به این گونه مباحث معطوف کرده است.

در بین جوامع در حال توسعه، ایران از دوره قاجاریه با جهان صنعتی در ارتباط بوده است، و از آن زمان تا کنون تحولات زیادی در ایران بوقوع پیوسته است و بافت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظام ارزشی ایران دچار دگرگونی‌هایی شده است (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۷) و شاخصهای توسعه، به ویژه توسعه انسانی نسبت به گذشته بهبود یافته است (اولین گزارش ملی توسعه انسانی، ۱۳۷۸). خواست جمعی برای دستیابی به استانداردهای نوین زندگی نیز، نشان از بروز تحولات ساختاری در نظام اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی دارد. همانگونه که اینگلهارت پیش بینی کرده است در نتیجه این تغییر و تحولات، تغییرات فرهنگی و ارزشی محتمل به نظر می‌رسد، و جهت گیری ارزشی افراد از سمت مسائل و دلبستگی‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی گرایش پیدا خواهد کرد.

## بیان مساله

روند رو به رشد جریان صنعتی شدن در دهه‌های اخیر، موجب گردیده تا بسیاری از جوامع تحولات عمده اجتماعی و اقتصادی را تجربه نمایند و شاهد استقرار نظام نوین اقتصادی و اجتماعی باشند. در نتیجه این تحولات، وضعیت شاخصهای توسعه در این جوامع بهبود پیدا کرد. انتظار می‌رفت همگام و همراه با این تحولات، و بهبود وضعیت توسعه انسانی، نگرشها و ارزش‌های افراد جامعه نیز به سمتی تغییر یابد که به تقویت رفتارهای توسعه ای منجر گردد. (اینگلهارت، ۱۳۷۳؛ Dalton et al، ۲۰۰۲) و جهت گیری ارزشی افراد نیز از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی تغییر یابد.

جامعه ایران در پنج دهه اخیر از نظر وضعیت اجتماعی و فرهنگی، یکی از مهمترین دوره‌های حیات خویش را تجربه کرده است، به گونه ای که همواره در معرض برنامه‌های نوسازی و توسعه اقتصادی و اجتماعی بوده است و از طریق مجموعه ای از رویدادهای تاریخی و جریانهای توسعه، ساختارهای آن دگرگون شده است. فرایند نوسازی و مدرنیزاسیون در

کشور ما نیز موجب رشد شاخصهایی همچون صنعتی شدن، شهرنشینی، باسوادی، توسعه انسانی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، تحرک اجتماعی و ... گردیده است. اما مساله این است که آیا همگام و هماهنگ با این تحولات، در نگرشها و ارزشهای افراد تغییری بوجود آمده است؟ پاسخ به این سوال از آن جهت اهمیت دارد که ارزشها اصلی ترین عنصر تعیین کننده فرهنگ به شمار میروند و ثبات یا تغییر آنها موجب ثبات یا تغییر فرهنگ در طول زمان می شود و بالطبع ثبات یا دگرگونی جوامع را تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین وقتی که بحث تغییر فرهنگی و ارزشی مطرح می شود، بررسی مساله جهت گیری ارزشی افراد و بررسی ارتباط آن با شاخصهای اجتماعی و اقتصادی توسعه از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود.

تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی در استان هرمزگان در چهار دهه گذشته، وضعیت خاصی را تجربه کرده است. این استان در نتیجه سرمایه گذاریهای اقتصادی، صنعتی و تجاری<sup>۱</sup> در دهه های گذشته، تغییر و تحولات عمده ای را به خود دیده است. با آغاز به کار پروژه های عظیم صنعتی، تغییر و تحولات عمده ای در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی در استان هرمزگان بوجود آمد، همچنین در طی این سالها، بسیاری از شاخصهای توسعه انسانی از جمله سطح آموزش، بهداشت و امید به زندگی بهبود چشمگیری یافت. بنابراین مطابق نظریه های تغییرات فرهنگی، انتظار می رفت که در سایه تحولات اجتماعی و اقتصادی، جهت گیری ارزشی افراد نیز بطور متناسب و هماهنگ با بعد سخت توسعه در استان، تغییر یابد و در نتیجه زمینه های حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و توسعه پایدار در جامعه فراهم گردد. اما بر اساس مشاهدات و تحقیقات انجام شده (رئوفی، ۱۳۸۵؛ اخلاقی پور، ۱۳۷۹) شواهدی یافت می شود که نشان از جهت گیری های ارزشی سنتی، خاص گرایانه و قوم مدارانه و ناهماهنگ با شاخصهای توسعه در بین شهروندان هرمزگانی و به ویژه شهروندان بندرعباسی دارد. بر این اساس با توجه به مطالب فوق، ضرورت داشت موضوع مقاله حاضر به صورت علمی مورد مطالعه قرار گیرد تا ضمن شناخت بیشتر در زمینه وضعیت جهت گیری

۱ - احداث بنادر عظیم و تاسیسات بندری شهید رجایی و شهید باهنر، توسعه صنایع نفت و گاز، توسعه پالایشگاهها، صنایع کشتی سازی، آلومینیوم، فولاد، توسعه گمرکات، مناطق آزاد تجاری قشم و کیش و ...

ارزشی افراد، به بررسی ارتباط میان تغییرات اجتماعی و اقتصادی و جهت گیری ارزشی آنها بپردازد. بدیهی است که شناخت بیشتر و دقیقتر مسائل فرهنگی و ارزشی آنهم در جامعه ی چندفرهنگی مانند شهر بندرعباس از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا شناخت بیشتر مسائل فرهنگی و ارزشی می تواند منجر به حفظ و تقویت انسجام اجتماعی گردد. از این رو، در این مقاله ما در صدد هستیم تا ضمن شناخت جهت گیری ارزشی افراد، ارتباط بین جهت گیری ارزشی آنان را با تغییرات اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار دهیم.

## اهداف تحقیق

- ۱- بررسی و شناخت وضعیت جهت گیری ارزشی افراد
- ۲- بررسی ارتباط بین تغییرات اقتصادی و اجتماعی و نوع جهت گیری ارزشی

## پیشینه موضوع

پیشینه مطالعات در حوزه فرهنگ و توسعه به نظریه وبر در خصوص اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری بر می گردد. به زعم وبر رشد سرمایه داری در غرب مدیون آموزه های کالونی مذهب پروتستان است. وبر اعتقاد دارد در آیین کالونسیسم، نوعی عقلانیت وجود دارد که فعالیت اقتصادی سودمند را موجب می شود. (وبر، ۱۳۸۲) در دهه های اخیر مطالعات جامع تری در حوزه توسعه و تغییرات فرهنگی انجام شده است؛ مطالعه ولزل و همکارانش (۱۳۸۲) تحت عنوان «توسعه انسانی، بعنوان نظریه ای کلی درباره تغییر اجتماعی؛ دیدگاهی چند سطحی و میان فرهنگی»<sup>۱</sup>، که جریان و ماهیت تغییرات اجتماعی و از جمله تغییر ارزش ها را مورد مطالعه قرار داده اند. آنها سه مولفه توسعه اجتماعی - اقتصادی، تغییر فرهنگی و دموکراتیک شدن را نشانگان به هم پیوسته ای از تغییر اجتماعی می دانند. این بررسی که براساس داده های پیمایش جهانی ارزش ها انجام شده است نشان می دهد که نشانگان توسعه انسانی به واسطه تاثیر

---

1 - Human development as a general theory of social change: A multilevel and cross-cultural perspective

علی منابع فردی و ارزش‌های بیان نفس بر حقوق واقعی به وجود می‌آیند (ولزل و دیگران، ۱۳۸۲).

در مطالعه دیگری اینگلهارت و بیکر (۲۰۰۰) به بررسی نقش توسعه اقتصادی در تغییر یا پایداری ارزش‌های سنتی پرداخته‌اند. آنها نشان داده‌اند که سنت‌های فرهنگی دارای دو وضعیت، یعنی تغییرات گسترده و همچنین پایداری هستند و توسعه اقتصادی موجب تغییر از هنجارها و ارزش‌های مطلق به سمت ارزش‌های عقلانی و مشارکت جویانه می‌شود (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰).

در مطالعات ملی انجام شده در ارتباط با موضوع مقاله حاضر، می‌توان به مطالعه آزادارمکی و غیاثوند (۱۳۸۳) در زمینه تغییرات فرهنگی در ایران اشاره نمود، آنها در تحقیقشان به صورت تجربی نظریه اینگلهارت را بر روی ارزش‌های و نگرش‌های ایرانیان تطبیق داده‌اند و نشان داده‌اند که در ایران نیز مانند کشورهای پیشرفته صنعتی بین نگرش‌ها و ارزش‌های مادیون و فرامادیون تفاوت‌هایی وجود دارد (آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳).

خالقی فر نیز در مطالعه خود جهت گیری ارزشی جوانان ایرانی را در مقایسه با برخی کشورها و با استفاده از نظریه اینگلهارت مورد بررسی قرار داده است. وی نشان داده است که جوانان ایرانی دارای ارزش‌های سنتی و مادیگرایانه و قوم‌مدارانه بوده‌اند. این نتایج با ارزش‌های افراد در سه کشور مجارستان، آرژانتین و آفریقای جنوبی همسو و هم‌نوا بوده است (خالقی فر، ۱۳۸۱).

## مبانی و چارچوب نظری

موضوع اصلی در میراث نظریه‌های جامعه‌شناختی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم این بود که جامعه در حال دگرگونی از یک جامعه مبتنی بر روابط نخستین اجتماع کوچک و بسته و نیز مبتنی بر ارتباطات خونی، خویشاوندی و نزدیک، به یک جامعه در حال تبدیل به جامعه صنعتی تشکیل یافته از روابط ثانویه می‌باشد. که این دگرگونی، انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند و اثرات عمیقی بر زندگی افراد باقی خواهد گذاشت (دیکنز، ۱۳۷۷: ۴۸) طی دو سده

گذشته نظریه پردازان اجتماعی کوشیده اند نظریه کلانی پیروانند که ماهیت دگرگونی اجتماعی را تبیین کند، اما هیچ یک از نظریه‌های تک عاملی نمی تواند تنوع و گوناگونی توسعه و تغییرات اجتماعی را توضیح دهد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۳). بنابراین می توان گفت تکیه بر نظریه‌های تک عاملی، نمی تواند ما را در تبیین تحولات جوامع یاری رساند. لذا در این بخش با بهره گیری از نظریه‌های مرتبط با تغییرات فرهنگ، ارزش‌ها و توسعه به تنظیم مبانی و چارچوب نظری تحقیق خواهیم پرداخت.

بدون شک ماکس وبر یکی از برجسته ترین اندیشمندانی است که در حوزه فرهنگ، ارزش‌ها و توسعه جوامع، نظرات ارزشمندی را ارائه کرده است. ماکس وبر با شناخت عمیق و تحلیل ساختاری دقیق خود از نهادهای اجتماعی به صورت تطبیقی توانست نقش ارزش‌ها را در تعیین کنش افراد، در یک چارچوب نظری قرار دهد. اهمیت کار او در روش تحلیل نظام کنشهای اجتماعی است که در درون آنها باورها، ارزش و نیز نیروهای اقتصادی بر کنش تاثیر می گذارند (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۱) و بر بخش عمده ای از دیدگاههای خود را در مورد ارزش‌ها و توسعه در کتاب اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه داری بیان نموده است که بدون تردید یکی از مشهورترین آثار علوم اجتماعی است. نکته قابل توجه در دیدگاه وبر درباره پیشرفت و توسعه جوامع این است که پیشرفت و توسعه جوامع متأثر از عوامل ذهنی- فرهنگی است و این عوامل در خصوص اعتقادات مذهبی و ارزش‌های حاکم بر جوامع (مذهب پروتستان) نقش تعیین کننده ای در پیشرفت اقتصادی ممالک سرمایه داری غرب داشته است. (وبر، ۱۳۸۲: ۸) وبر معتقد است که روحیه اقتصادی، جنبه اساسی طرز تفکر سرمایه داری است. این روحیه در واقع ناشی از میل به موفقیت انسان‌ها است که در مسلک پیوریتنها بعنوان یک ارزش مطرح شده است. (همان: ۷) لذا فرهنگ دنیوی و سوداگرانه پیوریتانی و پروتستانی که در عرصه اقتصاد خواستار و مبلغ پشتکار، صرفه جویی، پس انداز، سرمایه گذاری و خرد گرایی در کسب و کار و اداره امور و تولید و توزیع بود، نقش اساسی را در پیدایش و رشد سرمایه داری در اروپا ایفا کرده است. بنابراین خرد گرایی عامل رشد سرمایه داری و تحکیم بخش فرایند پیشرفت آن است. البته، وبر در کتاب اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه داری صریحاً اعلام

می‌کند، این تصور که سرمایه داری و توسعه ملل غرب بدلیل پروتستانیسیم بوجود آمده است، یقیناً خطاست، و ساده‌انگارانه است اگر تصور کنیم وبر پروتستانیسیم را علت سرمایه داری می‌دانسته است. اما حقیقت آن است که روح سرمایه داری و روح مذهبی پروتستان تناسبی معنادار با هم دارند. در واقع پروتستانیسیم، تنها علت رشد سرمایه داری نبوده بلکه نطفه سرمایه داری را بارور ساخته است. در واقع وبر در مطالعاتش بویژه در اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه داری، کوشیده است تا اشکال مختلف عقلانی شدن فرهنگ و اهمیت چنین مباحثی را برای تکامل اجتماعی اقتصادی بیان نماید (وبر، ۱۳۸۲: ۸) به طور کلی دیدگاه وبر درباره فرهنگ، عقلانیت، سرمایه داری و ... به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر نظریه پردازان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی موثر بوده است که از آن جمله می‌توان به نظریه مک کله لند، پارسنز و اینگلهارت اشاره نمود.

مک کله لند معتقد است که میل به موفقیت، عاملی مهم و قطعی در تعیین میزان موفقیت است. وی پیشرفت را ناشی از روحیه کار آفرینانه می‌داند و بر این باور است، در جامعه ای که روحیه ی نیاز به موفقیت در آن عموماً در سطح بالاتری است، کارآفرینان پر نیروتری تولید خواهد کرد که این به نوبه خود موجب توسعه اقتصادی سریع تری خواهد شد (مک کلند، ۱۹۶۱: ۲۰۵). خلاصه اینکه مک کله لند اثبات می‌کند که نیاز به موفقیت در افراد مختلف و در فرهنگهای متفاوت یافت می‌شود و با شاخصهای دیگر توسعه مانند رشد اقتصادی هم بسته است (هریسون، ۱۹۹۷: ۱۹).

پارسنز نیز در طرح متغیرهای الگویی خود، چهار نوع جهت گیری دوگانه<sup>۱</sup> را مطرح می‌کند که از هر فرد انتظار می‌رود در هنگام کنش در چارچوب نظام اجتماعی آن را اجرا کند. البته چنانکه می‌دانیم وضعیت جامعه پذیری افراد در اجتماع بر روی چگونگی اجرا و جهت گیری نقش به سزایی دارد. پارسنز با این طبقه بندی می‌خواهد ارزشهای جوامع گوناگون را بدست آورد و ماهیت آنها را در رابطه با این جهت گیری‌ها مشخص کند (پارسونز و اسملسر، ۱۹۸۴: ۳۳). به نظر پارسنز در جوامع مدرن امروزی جهت گیری الگوها به

۱ - عاطفی - غیر عاطفی، عام گرایی - خاص گرایی، ویژه - پراکنده، انتسابی - اکتسابی



سمت عام گرایی، اکتسابی، پراکنده و غیر عاطفی است و نقش‌های اجتماعی طوری تنظیم شده است که جهت گیری عکس آن رابطه را دچار بدکار کردی می‌کند. به زعم پارسنز مهمترین ویژگی جوامع مدرن عام گرایی است که بر اساس قواعد رفتاری و حقوقی و به صورت دموکراتیک تنظیم شده است (پارسونز و همکاران، ۱۹۷۵: ۷۹).

یکی دیگر از نظریه‌هایی که به بررسی ارتباط بین تغییرات اقتصادی - اجتماعی و تغییرات فرهنگی و ارزشی پرداخته است و با توفیقات نسبی در این زمینه همراه بوده است، نظریه دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت است. وی در اثر خود با عنوان تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی به بررسی ارتباط بین زمینه‌های فرهنگی و ارزشی از یک سو، و شرایط اقتصادی جامعه از سوی دیگر پرداخته است و این تعامل را با استفاده از داده‌های پیمایش ارزشهای جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. اینگلهارت دگرگونی فرهنگی و ارزشی را امری تدریجی و بازتاب دگرگونی در تجربه نسلهای مختلف قلمداد می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱). وی در نظریه دگرگونی ارزشی، ارزشها را به دو دسته مادی و فرامادی تقسیم بندی می‌کند و بر این باور است که در جوامع پیشرفته صنعتی، در نتیجه رونق اقتصادی، اولویت‌های ارزشی از سمت مسائل و دلبستگی‌های مادی و مرتبط با امنیت اقتصادی و اجتماعی به سوی تاکید بیشتر بر آزادی، ابراز عقیده و کیفیت زندگی یا همان ارزشهای فرامادی گرایش پیدا نموده است. (همان: ۳-۱)

آنچه در فرایند دگرگونی ارزشی محور اصلی بحث قرار می‌گیرد، گذار از ارزش‌های مادی به سمت ارزشهای فرامادی در جوامع است. اینگلهارت فرایند تغییر ارزش‌ها را فرایندی جهانی می‌داند، یعنی هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت کند، باید این فرایند در آن کشور روی دهد. (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۲۲)

اینگلهارت برای تبیین فرایند دگرگونی ارزشی از دو فرضیه پیش بینی کننده بهره می‌برد:

۱- فرضیه کمیابی<sup>۱</sup>، که در آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی است، به نحوی که شخص بیشترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آن نسبتاً کم است.

۲- فرضیه اجتماعی شدن<sup>۲</sup>، که در آن ارزشهای اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر سال‌های قبل از بلوغ وی است (اینگلهارت، ۱۹۷۷: ۳۳).

دو فرضیه اساسی فوق مجموعه به هم پیوسته ای از پیش بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزشها را پدید می‌آورند. در حالی که فرضیه کمیابی به رابطه بین شکوفایی و امنیت اقتصادی و گسترش ارزشهای فرامادی اشاره دارد، فرضیه اجتماعی شدن دگرگونی ارزشی را از طریق فرایندی تدریجی و در نتیجه جایگزینی نسلی می‌داند. در واقع فرضیه اجتماعی شدن، فرضیه کمیابی را تکمیل می‌کند (آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۲۳) و نتیجه اساسی تری را بدست می‌دهد. به بیان دیگر دگرگونی ارزشی نه مستقیم بلکه به واسطه و به همراه ورود نسل جدید به جامعه رخ می‌دهد، چرا که نفوذ ارزشهای جدید بازتاب درک ذهنی افراد از امنیت مالی و جانی است، نه از خود سطح اقتصادی. به عبارت دیگر نظام ارزشی فرد تحت تاثیر وضع اقتصادی او نیست، بلکه بیشتر از آن، بر اثر محیط‌های فرهنگی و نهادهای رفاه اجتماعی سامان می‌پذیرد و مجموعاً فضای پرورش و رشد فرد را شکل می‌دهند (معیدفر، ۱۳۸۶: ۵۷)

با توجه به چارچوب نظری اینگلهارت می‌توان گفت که اولویت‌های ارزشی افراد، هم تحت تاثیر میزان رفاه اقتصادی و اجتماعی و هم جریان جامعه پذیری است. چنانچه فردی در دوران اولیه زندگی خویش، در محیط آرام اجتماعی و سیاسی همراه با تامین نیازهای اقتصادی و امنیتی باشد، گرایش او به سمت ارزش‌های فرامادی محتمل تر است و به تعبیری، وی ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهد. در مقابل اگر افراد وضعیت فوق را تجربه نکرده باشند، اولویت ارزشی آنها دگرگون شده و ارزش‌های مادی در اولویت قرار می‌گیرند.

---

1 - Scarcity hypothesis

2 - Socialization hypothesis

مطابق دیدگاه اینگلهارت می توان گفت که ارزش های افراد در جامعه آماری این تحقیق بسته به درک ذهنی آنها از امنیت مالی و جانی که در دوران جامعه پذیری احساس کرده اند، می تواند متفاوت باشد. زیرا افراد شرایط متفاوت جامعه پذیری را تجربه کرده اند. در یک سو افراد مسن تر که طعم وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را در دوران جنگ و قبل از آن تجربه کرده اند و در سوی دیگر جوانترها که در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیگری پرورش یافته و اجتماعی شده اند.

با توجه به این که مقاله حاضر می کوشد تا به بررسی و شناخت جهت گیری ارزشی افراد و ارتباط آن با میزان بهره مندی افراد از شاخصهای اقتصادی و اجتماعی توسعه انسانی پردازد و در واقع به نوع جهت گیری ارزشی افراد در زمینه های اجتماعی و اقتصادی مختلف مربوط می شود، لذا چارچوب نظری تحقیق با بهره گیری از نظریه های مطرح شده و با تاکید بر نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت تدوین شده است.

همانگونه که قبلاً ذکر گردید، نظریه دگرگونی ارزشی بر دو فرضیه مهم و اساسی، کمیابی و اجتماعی شدن استوار است و اینگلهارت نیز برای تبیین فرایند دگرگونی ارزشی از این دو فرضیه پیش بینی کننده بهره می برد. زیرا این فرضیه ها مجموعه ی به هم پیوسته ای از پیش بینی های مربوط به دگرگونی ارزش ها را پدید می آورند. در حالی که فرضیه کمیابی به رابطه بین شکوفایی و امنیت اقتصادی و گسترش ارزش های فرامادی اشاره دارد، فرضیه اجتماعی شدن دگرگونی ارزشی را از طریق فرایندی تدریجی و در نتیجه جایگزینی نسلی می داند. در واقع فرضیه اجتماعی شدن، فرضیه کمیابی را تکمیل می کند. مطابق دیدگاه اینگلهارت می توان گفت که ارزش های افراد در جامعه آماری این تحقیق بسته به درک ذهنی آنها از امنیت مالی و جانی که در دوران جامعه پذیری احساس کرده اند، می تواند متفاوت باشد. زیرا افراد شرایط متفاوت جامعه پذیری را تجربه کرده اند؛ در یک سو افراد مسن تر که طعم وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را در دوران جنگ و قبل از آن تجربه کرده اند و در سوی دیگر جوانترها که در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیگری پرورش یافته و اجتماعی شده اند. بنابراین با توجه به مطالب فوق نظریه دگرگونی ارزشی (تغییر از ارزش های مادی به سوی

ارزش‌های فرامادی) که بر اساس دو فرضیه مهم، کمیابی و اجتماعی شدن استوار است، می‌تواند چارچوب و راهنمای مناسبی برای تحقیق حاضر باشد.

بطور کلی بر اساس نظریه دگرگونی ارزشی می‌توان گفت تغییر در جهت گیری‌های ارزشی افراد بازتاب شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد است. بعبارت دیگر وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد، می‌تواند پیش‌بینی کننده جهت گیری ارزشی مادی یا فرامادی آنها باشد.

پارسنز نیز با طرح متغیرهای الگویی، اذعان دارد که در جوامع مدرن و پیشرفته جهت گیری الگوها به سمت عام‌گرایی، اکتسابی، پراکنده و خنثی است و نقش‌های اجتماعی طوری تنظیم شده است که جهت گیری عکس آن، رابطه را دچار بدکار کردی می‌کند. همچنانکه ملاحظه می‌شود پارسنز نیز به رابطه بین پیشرفت و توسعه جوامع و تغییر در عناصر فرهنگی مانند عام‌گرایی اشاره داشته است. با توجه به اینکه تحقیق حاضر در جامعه ای انجام می‌شود که ویژگی بارز آن چند قومی و چند فرهنگی بودن است و مساله حفظ انسجام اجتماعی اهمیت ویژه ای دارد، لذا موضوع عام‌گرایی و میزان آن می‌تواند متغیر مناسبی در جهت تبیین وضعیت جهت گیری ارزشی افراد به حساب آید.

بر این اساس در این مقاله متغیرهای مستقل شامل میزان بهره مندی افراد از شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه انسانی مانند سطح تحصیلات، احساس سلامتی (امید به زندگی)، درآمد خانواده، عام‌گرایی و رضایت از زندگی است. نوع جهت گیری ارزشی نیز در این تحقیق متغیر وابسته است که با استفاده از سنجه دوازده ارزشی اینگلههارت سنجیده شده است و از این طریق در نهایت وضعیت نوع جهت گیری ارزشی پاسخگویان مشخص می‌شود.

## فرضیات تحقیق

فرض محوری در این تحقیق این است که بین وضعیت اقتصادی و اجتماعی و جهت گیری ارزشی افراد تناسب وجود دارد. به عبارت بهتر به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد جهت گیری ارزشی آنان از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی خواهد بود.

### ۳- روش شناسی کیفی:

افرادی که در این مطالعه مورد مصاحبه قرار گرفتند، به صورت هدفمند از میان افراد ۱۸ سال و بالاتر که حداقل برای مدت پنج سال در شهر بندرعباس سابقه سکونت داشتند انتخاب کردیم و سعی کردیم تا براساس ملاکهای تحصیلات، بومی یا غیربومی بودن، جنسیت و سن، نمونه ما تیپ‌های مختلفی را در بر داشته باشد. به علاوه سعی کردیم در هر تیپ حداقل با دو یا سه نفر مصاحبه کنیم. در مجموع ۳۱ مصاحبه انجام شد.

محورهای مصاحبه عبارت بودند از: جهت گیری ارزشی افراد، دیدگاه مصاحبه شونده‌گان در مورد مقایسه وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس نسبت به گذشته، مصداقهای بهبود یا عدم بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس و میزان تعاملات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و عام‌گرایی مصاحبه شونده‌گان.

برای سهولت مقایسه و تحلیل محورهای فوق، در زمان مصاحبه، پاسخهای مصاحبه شونده با دقت یادداشت شد. پس از اتمام مصاحبه نیز پاسخها را در سه مقوله کلی وضعیت جهت گیری ارزشی، وضعیت اقتصادی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس دسته بندی کردیم. در این جا لازم است سوالات اصلی مطالعه را که در بخش کیفی بنا داریم به آنها پاسخ دهیم، به طور خلاصه مرور کنیم. همان گونه که قبلاً مطرح کردیم، شهر بندرعباس در طی دهه‌های گذشته در معرض تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. این تغییرات به ویژه در حوزه اقتصادی و صنعتی به خوبی نمایان است. رشد سرمایه گذاری در حوزه اقتصادی منجر به جذب افراد زیادی در قالب مهاجر، به این منطقه شد در نتیجه حجم جمعیت این شهر در مدت زمان کوتاهی افزایش چشمگیری پیدا کرد و تغییرات اجتماعی و فرهنگی را به دنبال داشت. از آنجایی که بر اساس نظریه دگرگونی ارزشی، رشد اقتصادی سبب بوجود آمدن احساس رفاه و امنیت اقتصادی و در نتیجه گرایش افراد به سوی ارزش‌های فرامادی خواهد شد، مساله این مطالعه این است که آیا تغییرات اقتصادی در شهر بندرعباس موجبات احساس رفاه و امنیت اقتصادی و اجتماعی و در نهایت دگرگونی ارزشی را فراهم آورده است یا خیر؟ چه عواملی بر جهت گیری ارزشی تاثیر دارند؟

در جریان اجرای مصاحبه‌ها، به منظور پاسخگویی به سوالات تحقیق سعی کردیم مصاحبه‌ها تیپ‌های متفاوتی از افراد را در بر گیرد. در تیپولوژی اولیه با در نظر گرفتن چهار معیار تحصیلات، بومی یا غیربومی بودن، سن و جنسیت، ۱۶ تیپ را مشخص کردیم و به طور تقریبی در هر تیپ با دو نفر مصاحبه کردیم. اما در حین انجام مصاحبه‌ها و با توجه به داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها دریافتیم که سن و جنسیت تفاوتی در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ایجاد نمی‌کند، در نتیجه با حذف دو معیار سن و جنسیت تیپ‌های مورد مطالعه به چهار تیپ کاهش یافت. این تیپ‌ها عبارتند از:

- ۱- بومی دارای تحصیلات دانشگاهی؛ ۲- غیربومی دارای تحصیلات دانشگاهی؛ ۳- بومی بدون تحصیلات دانشگاهی؛ ۴- غیربومی بدون تحصیلات دانشگاهی.

#### جدول شماره ۱. تیپ‌های چهارگانه مصاحبه‌شوندگان

بدون تحصیلات دانشگاهی		دارای تحصیلات دانشگاهی	
غیربومی	بومی	غیربومی	بومی
۶	۹	۸	۸
۱۵		۱۶	

#### ۵-۱- یافته‌های توصیفی کیفی: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یافته‌های کیفی از طریق انجام مصاحبه‌های کیفی با ۳۱ نفر از شهروندان بندرعباسی به دست آمده است. قبل از ارائه یافته‌های کیفی لازم است به طور خلاصه پاسخگویان نمونه را توصیف نماییم. سیمای مصاحبه‌شوندگان: از مجموع ۳۱ نفر مصاحبه‌شونده ۲۰ نفر مرد و ۱۱ نفر زن بودند و بین ۲۶ سال تا ۶۳ سال سن داشتند. همچنین از نظر تحصیلات چهار نفر کمتر از دیپلم، یازده نفر دیپلم، سه نفر فوق دیپلم، هفت نفر لیسانس، پنج نفر فوق لیسانس و یک نفر نیز دکتری بودند.

## یافته‌ها:

نتایج حاصل از بررسی وضعیت جهت گیری ارزشی مصاحبه شوندگان با استفاده از سنجه دوازده ارزشی اینگلهارت نشان می‌دهد که ۵۱/۶ درصد از مصاحبه شوندگان دارای جهت گیری ارزشی مادی، ۴۱/۹ درصد دارای گرایشات ارزشی التقاطی و ۶/۵ درصد نیز دارای گرایشات ارزشی فرامادی گرایانه بودند.

در خصوص وضعیت اقتصادی شهر بندرعباس و در پاسخ به سؤالاتی که وضعیت شهر بندرعباس را در چهار دهه گذشته از نظر اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌داد، اکثر مصاحبه شوندگان به جز یک نفر که توسعه اقتصادی در شهر بندرعباس را بر مبنای شرایط سیاسی می‌دانست، اعتقاد داشتند که از نظر اقتصادی و توسعه فضایی وضعیت شهر در طی چهار دهه گذشته بهتر شده است. مصاحبه شوندگان موارد زیر به عنوان مصداق‌هایی از بهتر شدن وضعیت اقتصادی از سوی مصاحبه شوندگان ارائه شد: توسعه صنایع نفت و گاز و تاسیسات پالایشگاهی مرتبط، احداث و بهره برداری از تاسیسات بندری و گمرکی در بنادر شهید رجایی و شهید باهنر، احداث و بهره برداری از مجتمع‌های صنعتی مانند آلومینیوم المهدی، هرمزال، فولاد هرمزگان، کشتی سازی و ...، توسعه فضایی شهر، بهسازی و توسعه فضاهای عمومی و رفاهی و مراکز خرید، استقرار واحدهای صنعتی در شهرکهای صنعتی، احداث و توسعه خطوط ریلی.

اما در خصوص وضعیت اجتماعی و فرهنگی نظرات متفاوتی وجود داشت که ابتدا آنها را به دو دسته تقسیم بندی می‌کنیم و سپس در قالب تیپ‌های چهارگانه<sup>۱</sup> به بررسی نظرات مصاحبه شوندگان می‌پردازیم:

الف) عده‌ای معتقد بودند که در نتیجه بهبود اوضاع اقتصادی شهر، وضعیت اجتماعی و فرهنگی هم به نسبت گذشته بسیار بهبود پیدا کرده است. افراد مسن‌تر و بدون تحصیلات دانشگاهی اعم از بومی و غیربومی غالباً با این دیدگاه همسو بودند. این دسته از مصاحبه

---

۱ - افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بومی، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی غیر بومی، افراد بدون تحصیلات دانشگاهی بومی، افراد بدون تحصیلات دانشگاهی غیربومی

شوندگان بیشتر بر ظواهر و نمودهای عینی توسعه تاکید داشتند. به گونه ای که سطح آموزش، بهداشت و رفاه شهروندان به دلیل توسعه آموزش عالی، توسعه مراکز بهداشتی و درمانی، توسعه مراکز رفاهی و فرهنگی بالاتر رفته است.

ب) عده ای دیگر بر این باور بودند که با وجود اینکه در بسیاری از شاخص های اجتماعی و فرهنگی بهبود نسبی به چشم می خورد اما پایین بودن میزان برخی از شاخص ها مانند اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و همچنین افزایش میزان خاص گرایی و نگرش های منفی بین گروهی، تعلقات گروهی و عدم ثبات مدیریتی و در نتیجه آن اعمال سلیقه در اجرای برنامه های اجتماعی و فرهنگی از جمله مهم ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی موجود به شمار می روند.

۱- در میان افراد بومی که دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، میزان اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام گرایی نسبتاً پایین بود و افراد بیشتر بر خاص گرایی تاکید داشتند. همچنین پنج نفر از این افراد دارای گرایشات ارزشی مادی و سه نفر دیگر دارای گرایشات ارزشی مادی و فرامادی به صورت توأم (التقاطی) بودند. در این گروه یک نفر فوق دیپلم، چهار نفر لیسانس، دو نفر فوق لیسانس و یک نفر دکترا بودند. این دسته از افراد غیربومی بودن مسئولین، کمبود مسئولین خوب و دلسوز، دیدگاه کوتاه مدت غیربومی ها به مساله اقامت در شهر بندرعباس، گروه گرایی غیربومی ها و تبعیض هایی که در واگذاری مشاغل و موقعیت های اداری و سیاسی وجود دارد را به عنوان عوامل موثر در کاهش اعتماد اجتماعی و عام گرایی خود ذکر می کردند.

۲- در مقابل افراد بومی بدون تحصیلات دانشگاهی، حضور افراد غیربومی بدسابقه (افراد معتاد، افراد دارای بیماریهای واگیردار، بیکاران فصلی)، بیکاری جوانان بومی را به عنوان عوامل موثر در کاهش اعتماد و عام گرایی اعلام می کردند. در این گروه که دو نفر دارای تحصیلات کمتر از دیپلم و هفت نفر دیپلم بودند، شش نفر دارای جهت گیری ارزشی مادی و سه نفر دارای جهت گیری ارزشی التقاطی بود.



۳- در میان افراد غیربومی دارای تحصیلات دانشگاهی و بدون تحصیلات دانشگاهی نیز میزان اعتماد، عام گرایی و تعاملات اجتماعی نسبتاً پایین بود. همچنین چهار نفر از این افراد دارای گرایشات ارزشی مادی و چهار نفر دیگر دارای گرایشات ارزشی التقاطی بودند. افراد غیربومی دارای تحصیلات دانشگاهی که دو نفر فوق دیپلم، سه نفر لیسانس و سه نفر فوق لیسانس بودند، تفاوت قائل شدن بین افراد بومی و غیر بومی بویژه در موقعیتهایی که غیر بومی ها مسئولیتی ندارند و پایین بودن سطح فرهنگی جامعه را به عنوان عوامل موثر در کاهش اعتماداجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام گرایی اعلام می کردند.

۴- در مقابل غیر بومی های بدون تحصیلات دانشگاهی بیشتر بر وجود نامنی و افزایش جرائمی مانند سرقت در سطح محلات به عنوان عوامل موثر در کاهش اعتماداجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام گرایی خود تاکید داشتند. در این گروه از افراد، دو نفر کمتر از دیپلم و چهار نفر دیپلم بودند. همچنین گرایشات ارزشی سه نفر مادی و سه نفر دیگر نیز دارای گرایشات ارزشی التقاطی بودند.

همچنین نتایج حاصل از تحلیل داده های کیفی نشان می دهد که میزان اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام گرایی مصاحبه شوندگان در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. مقایسه نسبت سنخهای ارزشی در گروههای مختلف تحصیلی نشان می دهد که بین تحصیلات و جهت گیری ارزشی مصاحبه شوندگان رابطه وجود دارد. دو نفر از مصاحبه شوندگان دارای جهت گیری ارزشی فرامادی دارای تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس بودند همچنین ۶۱/۵ درصد از افراد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر دارای گرایشات ارزشی التقاطی و فرامادی بودند. به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که میزان اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام گرایی افراد در نوع جهت گیری ارزشی آنها موثر بوده است. به عبارت دیگر جهت گیری ارزشی غالباً مادی افراد بیشتر تحت تاثیر کاهش شاخص هایی مانند اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام گرایی است. بر همین اساس می توان نتیجه گرفت که توسعه محقق شده و همچنین رشد مولفه های توسعه انسانی و شاخص توسعه انسانی در جامعه آماری این مطالعه، تغییرات فرهنگی و ارزشی متناسب را در پی نداشته است.

به طور کلی بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل نظرات مصاحبه‌شوندگان می‌توان وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس و عوامل موثر بر آن و دلایل بروز و تداوم مسائل فرهنگی و اجتماعی را در قالب جدول زیر و به صورت خلاصه ذکر کرد.

### جدول شماره ۲. عوامل موثر بر وضعیت فرهنگی و اجتماعی از نظر مصاحبه‌شوندگان

شرح عوامل	نوع عوامل
۱- شهر بندرعباس به دلیل شرایط نامساعد آب و هوایی، دوری از مرکز و راههای مواصلاتی نامناسب، در طول سال‌های متمادی از سوی دولت مرکزی همواره به عنوان یک منطقه پیرامونی و تبعیدگاهی تلقی می‌شد و دولت مرکزی طرد شدگان و مجرمان سابقه دار را جهت تنبیه و سپری کردن دوران محکومیت به این شهر تبعید می‌کرد. حضور چنین افرادی با پیشینه سوء در بین مردم از نظر تاریخی منجر به شکل‌گیری تصویری نامناسب از مهاجران در حافظه تاریخی شهروندان شده است.	طبیعی - سیاسی - اجتماعی
۲- شرایط خاص جغرافیایی (برخورداری از سواحل طولانی و مناسب برای احداث تاسیسات بندری، امکان ترانزیت کالا از طریق بنادر) و همچنین بروز جنگ ایران و عراق و در خطر قرار گرفتن تاسیسات بندری و تاسیسات نفتی و بازرگانی در استانهای درگیر در جنگ موجب گردید تا سرمایه‌گذاران عظیمی در این منطقه صورت گیرد و رونق اقتصادی بندرعباس را در پی داشت. به گونه‌ای که بسیاری از صنایع در طی چهار دهه گذشته احداث و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و بندرعباس را به یکی از کانون‌های مهم اقتصادی، صنعتی و بازرگانی کشور تبدیل نموده است.	طبیعی - سیاسی
۳- رونق اقتصادی، صنعتی و بازرگانی بندرعباس در طی چهار دهه گذشته، جمعیت مهاجر زیادی را به سمت این شهر جذب کرده است به طوری که هم اکنون حدود نیمی از جمعیت شهر را مهاجران تشکیل می‌دهند.	اقتصادی - اجتماعی
۴- حضور مهاجران و توسعه فضایی شهر در قالب شهرکهای مسکونی جهت اسکان مهاجران بدون در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن موجب افزایش فاصله اجتماعی شهروندان و عدم جذب مهاجران در بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه گردید.	سیاسی - اجتماعی
۵- مهاجران در ابتدا به دلیل مزایای نسبی و تفاوت‌های فردی با بومی‌ها، تصدی مشاغل نوین حاصل از روند نوسازی اقتصادی، تجاری و صنعتی را بر عهده گرفتند.	اقتصادی - اجتماعی

<p>۶- مشاغل سنتی (ماهیگیری، کشاورزی و ...) که در گذشته ای نه چندان دور، بومی ها از طریق آنها امرار معاش می کردند به دلایلی نظیر گسترش مشاغل نوین، صید صنعتی، درآمد اندک و صرفه اقتصادی پایین رو به افول نهاد و جایگزین مطمئنی برای آنها ارائه نشد.</p>	<p>اقتصادی- اجتماعی</p>
<p>۷- در نتیجه افول مشاغل سنتی و کاهش کنترل مرزهای آبی، مشاغل مرتبط با قاچاق کالا به عنوان جایگزین کوتاه مدت مشاغل سنتی، افزایش یافت</p>	<p>اقتصادی- اجتماعی</p>
<p>۸- کنترل مرزهای آبی در دهه ۶۰ و در نتیجه کاهش میزان تبادل کالا به شیوه قاچاق موجب شد تا مشاغل قاچاق (بیکاری پنهان) کاهش یافته و به بیکاری آشکار بویژه در بین بومی ها تبدیل گردد. در نتیجه این دسته از بیکاران نیز به دنبال تصدی مشاغل نوین برآمدند و رقابت بر سر منابع کمیاب (شغل) بوجود آمد.</p>	<p>اقتصادی- اجتماعی</p>
<p>۹- رقابت بر سر منابع کمیاب مانند شغل و درآمد مکفی بویژه در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ اغلب به نفع مهاجران تمام می شد. زیرا به دلیل مزیت های شخصی و گروهی (تحصیلات، تخصص و حمایت اجتماعی از سوی اعضای هم گروه) موفق به تصدی مشاغل می شدند و افراد بومی غالباً به بهانه نداشتن شرایط لازم جهت تصدی شغل از این قافله عقب می ماندند و به ناچار در مشاغل دیگر به کار مشغول می شدند.</p>	<p>اقتصادی- اجتماعی - فرهنگی</p>
<p>۱۰- احساس رقابت بر سر منابع کمیاب از سوی اعضای هر دو گروه بومی و مهاجر و همچنین فاصله شغلی و اجتماعی ایجاد شده منجر به کاهش فرصت تماس و تعامل اجتماعی شد و زمینه ساز برخی نگرش های خاص گرایانه گردید.</p>	<p>اقتصادی- اجتماعی - فرهنگی</p>
<p>تذکر: ۱- عوامل مندرج در جدول خلاصه نظرات ارائه شده از سوی مصاحبه شوندگان (اعم از بومی یا مهاجر) است. ۲- بدیهی است که عوامل فوق که از مصاحبه های کیفی استخراج شده، ممکن است نتواند وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس را به طور کامل تبیین نماید. زیرا عوامل موثر دیگری نیز ممکن است در این زمینه وجود داشته باشد.</p>	

## بحث و نتیجه گیری

عدم احساس امنیت اقتصادی و شغلی و احساس رقابت آنهم در شرایطی که اعضای هر دو گروه به دلایلی<sup>۱</sup> تصدی مشاغل نوین را حق طبیعی و مسلم خود بدانند، ولی واگذاری مشاغل مطابق با انتظار افراد نباشد، همچنین فاصله اجتماعی در ابعاد ذهنی و عینی آن وجود داشته باشد، موجب بروز تشکلهای بین گروهی در مناسبات اجتماعی و شغلی می‌گردد. در نتیجه شرایط فوق میزان اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی و عام‌گرایی کاهش یافته و نگرش‌های منفی و تنش‌های اجتماعی بین گروهی افزایش می‌یابد.

بدیهی است که در چنین وضعیتی افراد ارضای نیازهای اولیه (مادی) را در اولویت قرار دهند و به دنبال ارضای نیازهای سطوح بالاتر نباشند. به بیان دیگر و به تعبیر اینگلهارتنی به دلیل اینکه افراد هنوز از نظر اقتصادی و اجتماعی احساس امنیت نمی‌کنند، گذار از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی صورت نمی‌گیرد. اینگلهارت به رابطه امنیت اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌ها تاکید دارد و یکی از عوامل موثر بر کاهش ارزش‌های سنتی و مادی در جامعه پیشرفته صنعتی را افزایش احساس امنیت می‌داند. زیرا افزایش امنیت سبب تساهل بیشتر، اعتماد، آسایش ذهنی و دید فرامادی می‌شود و در مقابل کاهش امنیت موجب می‌شود ارزش‌های افراد در جهت مخالف سوق پیدا کند. بر اساس یافته‌های اینگلهارت اعتماد اجتماعی، رضایت و احساس خوشبختی با سطوح بالای توسعه اقتصادی و احساس امنیت متناسب است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۱).

همان گونه که نتایج نشان داد فرض محوری این تحقیق یعنی عدم تناسب بین تغییرات اقتصادی و اجتماعی و تغییرات ارزشی مورد تایید قرار می‌گیرد. اکثر مصاحبه‌شوندگان ارزش‌های مادی را نسبت به ارزش‌های فرامادی در اولویت قرار می‌دهند که این موضوع نشان می‌دهد که تغییرات توسعه‌ای محقق شده در جامعه، نامتوازن بوده است. زیرا علیرغم رشد

---

۱ - بومی‌ها به دلیل اینکه مشاغل در موطن آنها ایجاد شده خواهان سهم شدن در تصدی این مشاغل هستند و مهاجرین نیز خود را به لحاظ مهارتی و تخصصی برای تصدی چنین مشاغلی در اولویت می‌دانند.

مظاهر تغییر و توسعه و همچنین افزایش چشم گیر در مولفه های توسعه انسانی<sup>۱</sup> در جامعه آماری این تحقیق در سه دهه گذشته، دگرگونی ارزشی متناسب با آن رخ نداده است. همچنان که یافته های تحقیق نیز نشان داد عوامل مختلفی در این فرایند نقش دارند از جمله عوامل موثر بر وضعیت فرهنگی موجود جامعه آماری می توان به پایین بودن میزان عام گرایی، اعتماد اجتماعی و تعاملات اجتماعی بین گروهی، احساس فاصله اجتماعی، تعلقات اجتماعی گروهی و نگرش های منفی بین گروهی و باورهای کلیشه نسبت به سایر گروهها اشاره نمود. همان گونه که قبلا ذکر گردید مهاجر پذیری و گردش مهاجرت در این فرآیند نقش به سزایی داشته اند.

### منابع

آزاد ارمکی، تقی و احمد غیاثوند (۱۳۸۳)، جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، انتشارات آن.

اخلاقی پور، منصور (۱۳۷۹)، بررسی نگرش بومیان نسبت به غیربومیان و تاثیر آن بر میزان مشارکت اجتماعی در شهر بندرعباس، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.

اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه صنعتی، مریم وتر، تهران، کویر. خالقی فر، مجید (۱۳۸۱)، بررسی ارزش های مادی و فرامادی جوانان تحصیل کرده ایرانی، عوامل موثر بر آن و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳، صص ۱۵۸-۱۰۷.

دیکنز، پیت (۱۳۷۷)، جامعه شناسی شهری، حسین بهروان، مشهد، به نشر. رئوفی، محمود (۱۳۸۵)، موانع اجتماعی و فرهنگی توسعه در استان هرمزگان، پایان نامه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.

---

۱ - رشد ۱۰ درصدی شاخص آموزش در استان هرمزگان از ۷۲.۸ در سال ۱۳۷۵ به ۸۲.۴ درصد در سال ۱۳۸۵. (شاخص آموزش در شهر بندرعباس در سال ۱۳۸۵ برابر ۸۸.۴ درصد است). همچنین افزایش امید به زندگی از ۶۵.۹ سال در سال ۱۳۷۵ به ۷۱.۱ سال در سال ۱۳۸۵. (امید به زندگی در شهر بندرعباس در سال ۱۳۸۵ برابر ۷۳ سال است)

سازمان برنامه و بودجه با همکاری سازمان ملل متحد (۱۳۷۸)، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان برنامه و بودجه مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶)، روابط و ارزش‌های اجتماعی جوانان ایرانی، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۸ و ۹، بها و تابستان ۱۳۸۶، صص ۳۲ - ۷.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، حسن چاوشیان، ویراست چهارم، تهران، نشر نی. معیدفر، سعید (۱۳۸۶)، دانشگاه و دگرگونی ارزش‌ها، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

وبر، ماکس (۱۳۸۲)، اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه داری، عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ولزل، کریس؛ رونالد اینگلهارت وهانس - دیتر کلینگ مان (۱۳۸۲)، توسعه انسانی: نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی، هادی جلیلی، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

12. Dalton, Russell J., Pham Minh Hac, Pham Thanh Nghi and Nhu-Ngoc T. Ong (2002), *Social Relations and Social Capital in Vietnam: The 2001 World Values Survey*, Institute for Human Studies in Vietnam.
13. Harrison, David (1997), *Sociology of Modernization and Development*, London, Hyman.
14. Inglehart, R. (1997), *Modernization and Post modernization: Cultural Economic and Political Change in 43 Societies*, Princeton University Press.
15. Inglehart, R. and W. E. Baker (2000), *Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values*, *American Sociological Review*, vol. 65, No 1, Pp. 19-51.
16. McClelland, David C. (1961), *The Achieving Society*, New York, The Free Press.
17. Parsons and Smelser (1984): *Economy and society, A Study in Integration of Economic and Social Theory*, Rutledge and Kegan Paul.
18. Welzel, C., R. Inglehart and H. Klingemann (2001), *Human Development as a General Theory of Social Change: A Multilevel and Cross-cultural Perspective*, Berlin, WZB.